

The discourse of the Islamic Revolution and the construction of a modern civilized society

Mohammad Mahmoodi-kya*

Received: 2023/02/15

Accepted: 2023/08/07

The Iranian Islamic Revolution, as a comprehensive and rooted revolution in the religious culture and belief system of the Iranian people, in addition to its tremendous effects on the construction of a model of political order in the territory, was able to create a wave of awakening among Muslim nations or nations under oppression, tyranny, and colonialism. create and be presented as the beginning of the rise of Islam in the context of the social life of Muslims; Developments that promise the design of a new civilized society in the Islamic world. In this research, using the data base analysis method, we tried to provide an answer to the question that how the discourse of the Islamic Revolution can influence the construction of a modern civilized society? and in this regard, what opportunities and challenges are facing it? The findings of the research indicate that the Islamic revolution, through the manifestation of social capital within and its success in building a model of political order and system within, along with the advantage of the existence of Islamic societies and Islamic states in a significant part of the political geography of the world, has considerable talent in this field, and on the contrary, issues such as the existence of challenges arising from discourse construction and its objectified construction in the field of governance, challenges arising from the constraints of the international system, software challenges in the social environment, challenges arising from the lack of a transformational view in the field Humanities as the basis of social transformations, as well as the challenges arising from the lack of attention to the field of agency and the training of efficient and balanced human resources, can be counted among the most important challenges facing the role-playing of the Islamic Revolution in the field of building a modern civilized society.

Keywords: Challenges, Civilized society, I.R.Iran. Islamic Revolution, Opportunities, Religious culture.

* Assistant Professor, Department of Political Thought in Islam, The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, I.R.Iran.
mmahmoudikia@yahoo.com

گفتمان انقلاب اسلامی و ساخت جامعه نوین تمدنی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۲ روز نزد نویسنده بوده است.

محمد محمودی کیا*

چکیده

با توجه به نقش راهبردی انقلاب اسلامی در ساخت و تقویت جامعه نوین تمدنی، محقق در این پژوهش درصدد ارائه پاسخ به این پرسش است که گفتمان انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند بر ساخت جامعه نوین تمدنی تأثیرگذار باشد؟ نویسنده برای این منظور با استفاده از روش فراتحلیل به این نتیجه رسیده است که انقلاب اسلامی در دو حوزه داخلی و خارجی به این مهم توجه داشته است. به این صورت که در حوزه داخلی از دو طریق طراحی و ارائه یک الگوی بومی و کارآمد از نظام سیاسی، و همچنین تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی؛ و در حوزه خارجی از طریق هویت و اعتباربخشی به مقوله «جهان اسلام» (هویت ناظر بر اجتماع بازیگران مسلمان) در نسبت با سایر هویت‌های موجود؛ توانسته است به ساخت جامعه نوین تمدنی کمک نماید. به‌طور طبیعی طی این راه با دشواری‌های زیادی روبه‌رو خواهد بود که ذیل عنوان چالش‌ها و تهدیدها به آنها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: جامعه تمدنی، چالش، روش فراتحلیل، فرصت، فرهنگ دینی، گفتمان انقلاب اسلامی.

* استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mmahmoudikia@yahoo.com

0000-0002-9679-9405

مقدمه

بیان مسئله: با عنایت به پیروزی انقلاب اسلامی و نیز گرایش قابل توجه به اسلام به عنوان دینی جامع و پاسخ‌گوی نیازهای انسان، توقع می‌رود شاهد شکل‌بخشیدن به نوعی جامعه تمدنی از ناحیه گفتمان انقلاب اسلامی باشیم؛ جامعه‌ای که می‌تواند بدلیل الگوهای متعدد بدیلی باشد که از سوی سایر مکاتب و ایدئولوژی‌ها پیشنهاد می‌شوند. با این توصیف «جامعه تمدنی» و تأثیرهای انقلاب اسلامی در راستای تحقق چنین جامعه‌ای به عنوان مسئله اصلی پژوهش حاضر انتخاب شده است.

اهمیت: جامعه‌سازی به عنوان فرایندی تکاملی در عرصه نظام‌سازی اجتماعی، نیازمند یک عنصر پویای درونی است تا طی زمان مسیر تحقق آن را روشن نموده و مانع از انحراف آن شود. امری که می‌توان از آن به عنوان نرم‌افزار (ماهیت‌هنجاری) تمدن نام برد. به عقیده نگارنده یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده در ماهیت‌هنجاری تمدن نوین اسلامی، گفتمان برآمده از انقلاب اسلامی ایران است که به عنوان مجموعه‌ای منسجم و متعامل از ارزش‌های بنیادین، مانع از پدیدآمدن انحراف در ماهیت تمدن نوین اسلامی می‌شود. با این توضیح مشخص می‌شود که پژوهش حاضر دارای اهمیت کاربردی می‌باشد؛ چراکه به تضعیف و یا رفع زمینه‌های بروز انحراف در فرایند تحول تمدن اسلامی کمک می‌نماید.

ضرورت: با عنایت به وجود نسخه‌های رقیب در جهان اسلام برای نظریه «تمدن نوین اسلامی»، هر گونه کم‌توجهی به موضوع‌هایی از این قبیل، می‌تواند به کاهش تأثیرگذاری گفتمان انقلاب اسلامی در ساخت تمدن نوین اسلامی و غلبه نظریه‌های غیربومی و یا انحرافی منجر شود. از این رو، پژوهش حاضر دارای ضرورت راهبردی است؛ چراکه عدم حراست از مرزهای گفتمانی و نیز هرگونه انفعال در این زمینه، می‌تواند به عنوان یک خطای راهبردی بلندمدت برای تحقق عینی جامعه تمدنی پنداشته شود.

سؤال‌ها و فرضیه: این پژوهش فرضیه‌آزما نبوده و سؤال‌محور است. پرسش اصلی عبارت است از: آثار گفتمان انقلاب اسلامی بر ساخت جامعه نوین تمدنی کدامند؟ در این راستا سؤال فرعی به شرح زیر طرح شده‌اند: مؤلفه‌های تمدنی گفتمان انقلاب

اسلامی جهت ساخت جامعه نوین تمدنی کدامند؟ فرصت‌های گفتمان انقلاب اسلامی در بنای جامعه نوین تمدنی کدامند؟ و بالاخره چالش‌های فراروی گفتمان انقلاب اسلامی در تحقق جامعه نوین تمدنی کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به گستره وسیع موضوعی و اهمیت آن، شاهد تولید آثار متعددی در این زمینه هستیم که در دو بخش قابل بررسی است:

۱-۱. پیشینه پژوهشی موضوع در نشریه دانش سیاسی

آثار منتشر شده در نشریه دانش سیاسی از دو منظر به موضوع جامعه تمدنی نگریسته‌اند:

الف. آثار مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب

با عنایت به جایگاه راهبردی بیانیه گام دوم، بیشتر نویسندگان از این منظر به تحلیل جامعه تمدنی پرداخته‌اند؛ برای مثال گوهری مقدم و بیگی (۱۴۰۰)، مستند به تحلیل بیانیه بر این باورند که دشمنان اصلی جمهوری اسلامی از حضور فعالانه ایران در منطقه بیم داشته و درصدد امتناع ایران از این حضور هستند. لذا به دستگاه سیاست خارجی این گونه توصیه می‌نمایند که لازم است بدون اعتماد به آمریکا، زمینه را برای حضور فعال منطقه‌ای ایران فراهم نمایند تا از این طریق بتوان زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی شد. غفاری هاشجین و نیکونهاد (۱۳۹۹) نیز همچون تحقیق پیشین با تکیه بر بیانیه گام دوم، بر این باورند که بیانیه، تصویر مطلوب و چشم‌انداز روشنی از آینده انقلاب اسلامی را ارائه کرده که همانا تحقق تمدن نوین اسلامی است. نادری و پیرانی (۱۳۹۹) نیز با همین رویکرد و بر اساس بیانیه مذکور، با اشاره به چهار راهبرد در دوران پساچهل سالگی انقلاب اسلامی، بر محوریت راهبرد «پیشتازی در محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل» تأکید می‌نمایند. البته در این پژوهش، اشاره مستقیمی به نحوه تأثیرگذاری این راهبرد بر تحقق نوین اسلامی نشده است.

ب. آثار مبتنی بر راهبرد مقاومت

این نویسندگان در رویکردی متفاوت، به اصل مقاومت اشاره داشته و تأکیدشان بر این است که تحقق جامعه تمدنی در گرو شناخت و اجرای الگوی «مقاومت در برابر تمدن سکولار متعارف» است؛ برای مثال مهدی‌پور (۱۳۹۸) با تأکید بر اینکه مفهوم مقاومت، مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در پیشرفت جامعه اسلامی و نیز عاملی بازدارنده و غلبه‌بخش بر چالش‌های ناشی از قدرت‌طلبی نظام سلطه است، تلاش دارد تا الگوی مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای را برای حرکت به سوی جامعه تمدنی، تبیین نماید. چنان‌که ملاحظه می‌شود این منابع مواجهه مستقیمی با نظریه جامعه تمدنی نداشته و هر یک بخشی از آن را در قالب بیانیه گام دوم و یا مقاومت، تبیین کرده است. براین اساس نوشتار حاضر به دلیل پرداختن به ماهیت گفتمانی جامعه تمدنی، از پژوهش‌های پیشین این نشریه متمایز ارزیابی می‌شود.

۲-۱. پیشینه پژوهشی موضوع در سایر منابع

مبحث تمدن نوین اسلامی طی سالیان اخیر به‌طور قابل‌توجهی مورد بررسی دانشوران ایرانی بوده و از جوانب مختلفی تحلیل شده است. بررسی محتوایی این آثار حکایت از آن دارد که عمده منابع به تبیین مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و یا چالش‌های فراروی جامعه تمدنی پرداخته‌اند (نک. جدول شماره ۱)؛ بنابراین مقاله حاضر از حیث رویکرد موضوعی - به دلیل تحلیل آثار ناشی از گفتمان انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری جامعه تمدنی - از این آثار متمایز است.

جدول شماره (۱): محتوای منابع مرتبط با جامعه تمدنی

مؤلفه‌ها
(خواججه‌سروی و دیگران، ۱۳۹۳)، (قاسمی، ۱۳۹۹)، (نجفی و غلامی، ۱۳۹۸)، (خوشدونی، ۱۴۰۱)، (خاتمی و دیگران، ۱۴۰۱)، (سرپرست سادات، ۱۳۹۸)
فرصت‌ها
(خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸)، (وائقی بادی و بمانی، ۱۳۹۷)، (مطهری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵)، (باقری، ۱۳۹۳)، (خرمشاد، ۱۳۹۲)، (عباس‌تبار، ۱۴۰۰)، (مزینانی و دیگران، ۱۳۹۸)، (اخترشهر، ۱۳۹۹)، (شاکری و مولوی، ۱۳۹۷)، (برزگر، ۱۳۹۶)، (عالی‌پور، ۱۳۹۹)، (نوروزی، ۱۳۹۱)، (هراتی و دیگران،

(۱۳۹۵)، (رفیعی آتانی و دیگران، ۱۴۰۰)، (صمدی میارکلاپی و صمدی میارکلاپی، ۱۳۹۵)، (شیرودی، ۱۳۹۷)، (مظاهری مقدم، ۱۳۹۷)
چالش‌ها
(مزینانی و دیگران، ۱۳۹۸)، (اکبری و نادری، ۱۳۹۸)، (ابوالفتحی و دیگران، ۱۴۰۱)، (دبیری و جعفری، ۱۳۹۹)، (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹)، (ثابتی منفرد و نجفی، ۱۳۹۹)

(طراحی توسط نویسنده)

با توجه به بررسی صورت گرفته محقق در میان ادبیات پژوهشی موجود، پژوهش مشابهی که مرتبط با موضوع این پژوهش باشد یافت نشد؛ لذا بررسی نحوه تأثیرگذاری گفتمان انقلاب اسلامی بر ساخت جامعه نوین تمدنی که زیربنای تشکیل تمدن نوین اسلامی است، می‌تواند به‌عنوان وجه نوآوری این پژوهش معرفی شود.

۲. مبانی مفهومی و نظری

ارکان مفهومی و نظری پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۲-۱. مفهوم و نظریه گفتمان

گفتمان به‌عنوان یک برساخته و محصول اشتراک در اجتماع‌های بینادهنی انسان‌ها، که دربردارنده نظام معانی، ارزش‌ها و هنجارها است، مطرح می‌باشد (مک‌دانل، ۱۳۸۰، ص. ۱۰). گفتمان‌ها با توجه به جایگاه اثرگذارشان بر کارگزاران و ساختار نظام اجتماعی، نقش برجسته‌ای در تکوین، استقرار و رشد پدیده‌ها ایفا می‌نمایند. براین‌اساس در این پژوهش، بر عاملیت نقش «گفتمان انقلاب اسلامی» در ساخت جامعه نوین تمدنی تأکید شده تا از رهگذر آن و با تکیه بر مطالعات موجود در زمینه نسبت‌سنجی و پردازش وضعیت موجود در جامعه ایرانی معاصر با وضعیت هنجاری موعود در نظم گفتمانی انقلاب اسلامی، بتوان فرصت‌ها و چالش‌های فراروی گفتمان انقلاب اسلامی را در راستای تحقق این هدف مهم، شناسایی کرد.

با توجه به اینکه نظریه گفتمان نقش محوری را برای زمینه اجتماعی (از قبیل ارزش‌ها، هنجارها، نمادها) در شکل‌گیری اندیشه و عمل سیاسی - اجتماعی قائل است؛ از این نظریه به‌عنوان مبنای نظری پژوهش استفاده شده و تلاش محقق نیز بر آن است تا

بتواند به صورت‌بندی مناسبی از موضوع در قالب نظریه گفتمان دست یابد. بر اساس نظریه گفتمان، جامعه‌سازی کنشی پیچیده میان مجموعه متنوعی از نهادها، سازمان‌ها، هنجارها و خودآگاهی‌های تاریخی در جامعه‌ای است که سعی دارد تا با حرکت در میانه این نظام کنشی پیچیده و متعامل، به یک برداشت مشترک و مورد اتفاق از خود و جامعه دست یابد. به عبارت دیگر، گفتمان‌ها با خلق قواعد هنجاری مشترک، تعیین‌کننده این موضوع هستند که در هر دوره خاص از زمان چه احکامی به‌عنوان هنجارهای معنادار مورد شناسایی قرار گیرد. در واقع گفتمان توانایی خلق یک زبان معنایی را دارد که حقیقت در درون آن ادراک می‌شود؛ امری که می‌تواند جانشین فرهنگ شود و همان‌گونه که همه چیز پوشیده در گفتمان پنداشته می‌شود، فرهنگی نیز فرض می‌شود؛ لذا گفتمان در این معنا، هم سازنده است و هم برساخته؛ و نه تنها در تولید و بازتولید ساختارهای اجتماعی مداخلت دارد، بلکه آن را منعکس نیز می‌سازد (مک‌دانل، ۱۳۸۰، ص. ۵۹).

۲-۲. جامعه تمدنی

جامعه در تعریفی موسع دلالت بر اجتماع شهروندان در قلمرو جغرافیایی معین بر پایه اصول و ضوابط مشترکی دارد که از حیث حقوقی دربردارنده حقوق و تکالیف متقابل بین اعضا است. با توجه به اینکه ساخت و شاکله اصلی جامعه را محتوا و نوع ضوابط حقوقی حاکم بر آن شکل می‌دهد، شاهد گونه‌های مختلفی از جوامع بوده‌ایم که در این میان جامعه تمدنی به دلیل ابتناء بر ظرفیت‌های تاریخی برآمده از فرهنگ و همچنین ارزش‌های محوری در حوزه اعتقادی و رفتاری، از گونه‌هایی که جامعه را صرفاً بر پایه قرارداد اجتماعی تفسیر و فهم می‌نمایند؛ متمایز می‌شود (نک. مصباح یزدی، ۱۳۶۸، فصل اول).

۳. روش‌شناسی

پژوهش پیش‌رو از حیث نوع، توسعه‌ای و از حیث رویکرد محقق، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری و تحلیل داده‌ها از روش فراتحلیل استفاده شده است. به این صورت که محقق با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های پیشین، به شناسایی مضامین

اصلی مؤثر در نقش‌آفرینی گفتمان انقلاب اسلامی در ساخت جامعه تمدنی اسلامی اقدام می‌نماید. گام‌های اجرایی این روش حسب روال علمی متعارف عبارت‌اند از:

گام اول. شناسایی و غربال‌گری پیشینه تحقیقی موجود. در این مرحله محقق از طریق جستجوی ترکیبی کلیدواژه‌های گفتمان، انقلاب اسلامی، جامعه، و تمدن نوین اسلامی در پایگاه‌های استنادی مقاله‌های فارسی مگیران، سید، و پورتال جامع علوم انسانی، به فهرست اولیه‌ای از مقاله‌های پیشنهادی دست یافته است. از رهگذر پالایش این فهرست با شاخص‌های «کیفیت تحقیق، مرتبط بودن موضوع و جامعیت مطالب»، تعداد ۲۸۳ مقاله مرتبط شناخته شد که ۲۶۶ مورد در نشریه‌های علمی، ۱۴ مورد در نشریه‌های تخصصی و ۴ مورد در نشریه‌های عمومی بوده‌اند. از بین ۲۶۶ مقاله علمی نیز ۱۸۸ مقاله علمی مصوب، ۹۱ مقاله بدون رتبه و ۵ مقاله نیز علمی - ترویجی بود که طبعاً مینا ۱۸۸ مقاله قرار گرفت. در غربال‌گری نهایی از میان ۱۸۸ مقاله علمی مصوب، با توجه به هم‌پیوندی موضوع مقاله با اهداف این پژوهش (ربط محتوایی قوی)، تعداد ۲۵ مقاله به شرح جدول شماره ۲ انتخاب و برای پردازش بعدی استفاده شد.

گام دوم. کدگذاری باز؛ از طریق بررسی محتوایی آثار.

گام سوم. کدگذاری محوری؛ از طریق مرور مضامین و درهم‌کرد موارد تکراری یا مشابه با هدف رسیدن به «مفاهیم».

گام چهارم. کدگذاری انتخابی؛ از طریق یکپارچه‌سازی مفاهیم و تبیین سازمان منطقی بین آنها در قالب «مقوله‌ها».

جدول شماره (۲): بررسی یافته‌های پژوهش‌های مرتبط

نویسنده (سال نشر)	سؤال تحقیق	یافته
شاکری زوردهی و مولوی (۱۳۹۷)	آینده انقلاب اسلامی ایران در تلاطم تحول‌ها چگونه خواهد بود؟	انقلاب اسلامی به‌دلیل برخورداری از ماهیت دینی، ظرفیت‌های تمدنی، بینش مردمی، وجود شخصیت‌های سیاسی مذهبی راهبر، گام‌های مؤثری در مسیر تمدن‌سازی نوین متناسب با ساخت و بافت ذهنی و عینی اسلام و ایران برداشته و چشم‌انداز آینده آن هموار شده است.
دبیری و جعفری	عوامل زمینه‌ساز تحقق تمدن	تحلیل بیانیه دلالت بر آن دارد که در این بیانیه، ۱۳

نویسنده (سال نشر)	سؤال تحقیق	یافته
(۱۳۹۹)	نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری آن‌گونه که در بیانیه گام دوم آمده، کدامند؟ چالش‌های فراروی تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه ایشان در بیانیه کدامند؟	مضمون اصلی در معرفی مؤلفه‌های تمدن اسلامی مورد توجه بوده‌اند که عبارت‌اند از: جوان‌گرایی، جهاد علمی، اقتصاد مقاومتی، بهره‌برداری درست از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کشور، مدیریت جهادی، روحیه انقلابی، مبارزه با فساد، گسترش عدالت، تقویت اخلاق و معنویت در جامعه، امید و خوشبینی به آینده، استفاده از تجربه‌های گذشته، و به‌طور مشخص حاکمیت سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی، مقابله با ترویج سبک زندگی غربی. در همین ارتباط از ۴ مضمون به‌عنوان موانع اصلی یاد شده است: غفلت از شعارها و آرمان‌های انقلاب، تهاجم فکری و فرهنگی، چالش‌های اقتصادی و خطر فساد.
نجفی و غلامی (۱۳۹۷)	پرسش از مؤلفه‌های هویت‌ساز تمدن نوین اسلامی در کانون این پژوهش است. در همین ارتباط سؤال‌های تکمیلی به شرح زیر مطرح شده‌اند: نسبت تمدن نوین اسلامی با گونه‌هایی مانند تمدن تاریخی و یا تمدن نوین غربی چیست؟ جایگاه و نقش انقلاب اسلامی در تعریف و تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟	نتیجه پژوهش حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی ایران انقلاب اسلامی در مقام نخست، توانسته سرآغاز ضروری برای طرح و حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد؛ که این مهمترین نقش انقلاب اسلامی در این خصوص به‌شمار می‌آید. دلیل این امر هم این است که انقلاب اسلامی از این طریق به بدیل تمدن غربی تبدیل می‌شود؛ اما از طرف دیگر می‌توان به تولید و ترویج نظریه عقلانیت سیاسی تازه‌ای توسط انقلاب ایران اشاره داشت که بر پایه اصل امامت شکل گرفته و تأسیس نظام سیاسی جدید و همچنین طرح نظریه مشروعیت تازه‌ای را در پی داشته است.
بشیر و غیائی (۱۳۹۹)	چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی از منظر رویکرد تمدنی چیست؟	مهم‌ترین الزام‌های تحقق تمدن نوین اسلامی: بسط اجتماعی عقلانیت انقلابی، تربیت نیروی انسانی تراز، تحول در علوم انسانی و تعالی الگوی مدیریت، اصلاح سبک زندگی و افزایش تعامل‌های میان فرهنگی. مهم‌ترین چالش‌های تمدن نوین اسلامی: تحولات فکری، پیشرفت‌های علمی، تعامل‌های میان‌فرهنگی، شکاف‌های اجتماعی، فتنه‌های سیاسی و جنگ‌های بین‌المللی، فقدان معنا و عینیت.
خوشدونی (۱۴۰۱)	چه نسبتی میان انقلاب اسلامی و انقلاب تمدنی مهدوی بر اساس	میان انقلاب اسلامی و انقلاب تمدنی مهدوی بر اساس

نویسنده (سال نشر)	سؤال تحقیق	یافته
	و انقلاب تمدنی مهدوی وجود دارد؟	رابطه طولی که همان همسانی غایت‌شناختی است، ارتباط معناداری وجود دارد.
شیروودی (۱۳۹۹)	چه رابطه معناداری بین قدرت نرم و تمدن نوین اسلامی برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی برقرار است؟	رابطه معنادار و تکاملی میان قدرت نرم، تمدن نوین اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب برقرار است. جهت تبیین این رابطه محقق به نقش واسطه‌ای عوامل چهارگانه (اخلاق، علم، مشارکت و عدالت) برای روشنگری در افکار عمومی پرداخته و از این طریق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های قدرت نرم با اصول مندرج در بیانیه گام دوم، ارتباط دارند.
صمدی میارکلایی و صمدی میارکلایی (۱۳۹۵)	مأموریت، نقش و اثرگذاری انقلاب اسلامی در ایجاد انقلاب‌های نوین فراکتال در دنیای معاصر چیست؟	انقلاب اسلامی به‌عنوان هسته مرکزی انقلاب‌های فراکتال، زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است. در واقع، آنچه در مورد فراکتال‌های انقلاب اسلامی مطرح است، در نتیجه صدور انقلاب اسلامی به دنیا و اثرپذیری انقلاب‌های نوین از آن است. این انقلاب‌های فراکتال به‌مثابه زیرمجموعه هسته مرکزی خود در قالب نهادها، تشکیلات و جنبش‌های انقلابی تمامی خصوصیات و خصایص انقلاب‌های فراکتال را به ارث می‌برند و در بلندمدت، تکثیر انقلاب‌های فراکتال اسلامی تسریع شده و می‌تواند موقعیت و هژمونی استکبار را به خطر بیندازد.
خرمشاد (۱۳۹۲)	انقلاب اسلامی چه نسبتی با بیداری اسلامی دارد؟ انقلاب اسلامی چه نسبتی با تمدن‌سازی اسلامی در جهان امروز دارد؟	نتیجه این پژوهش آن است که: چون تأسیس و استمرار حیات انقلاب اسلامی در گرو سلامت اصول تمدنی آن است؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی در افق ده‌ساله پیش‌روی خود باید نسبت به شناخت و تقویت اصول تمدنی خود بیش‌ازپیش اهتمام ورزد. در این چشم‌انداز محقق چنین تحلیل می‌نماید که بین انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی و بیداری اسلامی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
هژیری و خرمشاد (۱۳۹۴)	انقلاب اسلامی اساساً چه نقشی در نوسازی تمدن اسلامی داشته و مؤلفه‌ها و عناصر این تأثیرگذاری چیست؟	حسب نظر محققان انقلاب اسلامی باید تمام سرمایه‌های انسانی و مادی خودش را بسیج کرده و به تقویت مؤلفه‌های تمدنی انقلاب در عصر حاضر همت گمارد. تنها در این صورت است که می‌تواند تصویری به‌روز از مؤلفه‌های تمدن اسلامی ارائه نماید که از اعتبار نظری و

نویسنده (سال نشر)	سؤال تحقیق	یافته
		عملی در رفع مشکل‌های انسان معاصر برخوردار باشد.
مظاهری مقدم (۱۳۹۷)	شرایط مورد نیاز برای تبدیل نمودن میراث دورن فرهنگی و برون فرهنگی به ظرفیتی برای تمدن‌سازی کدامند؟ توانمندی‌ها و ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای تبدیل میراث فرهنگی به تمدن کدامند؟	نویسنده از رهگذر تحلیل نظریه‌ها و شرایط تاریخی به سه اصل راهبردی جهت تبدیل میراث به تمدن می‌رسد که عبارت‌اند از: شناخت دقیق و کامل ظرفیت‌های تمدنی و فرهنگی در هر جامعه‌ای، جلوگیری و یا کاهش میزان گسست میان گذشته و آینده، و بالاخره ایجاد انگیزه و تحرک لازم جهت اقدام ملت و دولت در این زمینه. با این توصیف لازم است که الگویی فعال در تعامل فرهنگی و تمدنی ملاک باشد؛ الگویی که در آن اصول بومی در کنار تجارب جهانی مدنظر می‌باشند. در این حالت است که دستاوردهای مثبت دیگران در قالب اصول بومی تجزیه و تحلیل و استفاده می‌شود. با این تفسیر مهمترین نقش انقلاب اسلامی آن بوده که زمینه شکل‌گیری و حاکمیت الگوی فعال را در روابط فرهنگی و تمدنی فراهم آورده و جلوی انفعال و تسلیم تمدنی را گرفته است.
رفیعی و دیگران (۱۴۰۰)	عوامل سازنده تمدن نوین اسلامی چیست؟ و چگونه می‌توان الگویی برای نقشه راه تحقق آن ارائه داد؟	ابتناء بر فلسفه اسلامی و دین‌پایگی، امید و اعتماد به وعده الهی، رشد معنوی و اخلاقی و خودسازی، اراده، مجاهدت و انقلابی‌گری، فرهنگ و سبک زندگی، علم و فناوری، اقتصاد مقاومتی پیشرفته، پیامدهای کلیدی، قدرت و عزت ملی و اعتبار بین‌المللی و الگوسازی جامعه اسلامی، مؤلفه‌های اصلی سازنده تمدن نوین اسلامی به‌شمار می‌روند و الگوی مدنظر نیز در طرحی شش سطحی از مؤلفه‌های مذکور قابل تعقیب و تحقق است، به طوری که ابتناء بر فلسفه اسلامی و دین‌پایگی در زیرین سطح و الگوسازی جامعه اسلامی در بالاترین سطح آن قرار دارد.
دانش‌نهاد و وکیلی (۱۴۰۱)	نگرش، راهبردها و راهکارهای رسانه‌ای برای تحقق تمدن اسلامی چگونه قابل تبیین هستند؟	محققان برای تحقق و تقویت اهداف تمدن نوین اسلامی راهبردهای زیر را ارائه داده‌اند: تمرکز بر اصل امیدبخشی؛ توجه به جایگاه خواص و تلاش برای اقتناع ایشان؛ توجه به جایگاه عالی رسانه‌های نوین؛ تلاش برای تولید و رواج پایگاه‌های داده بومی، داشتن رسانه مرجع و بالاخره تولید آثار فاخر فرهنگی و هنری.

نویسنده (سال نشر)	سؤال تحقیق	یافته
قاسمی (۱۳۹۹)	مؤلفه‌های ائتلاف‌سازی و دستاوردهای انقلاب اسلامی در تمدن نوین اسلامی کدامند؟	با توجه به اصل ۱۱ قانون اساسی که بر ضرورت ایجاد همکاری و اتحاد بین مسلمانان تأکید دارد، لازم است این موضوع هم از حیث فلسفی و نظری مورد توجه قرار گیرد تا نظریه مناسب برای این هدف داشته باشیم؛ و هم الگوهای عملی دربردارنده راهبردهای ضروری تولید شود. در این مقاله دستاوردهای انقلاب اسلامی در هر دو بُعد نظری و عملی اتحاد مسلمانان بررسی شده است.
مظاهری مقدم (۱۳۹۹)	بازطرح موضوع «تمدن اسلامی» در گفتمان و ادبیات انقلاب اسلامی ایران بر چه واقعیت تاریخی و عینی استوار است؟	روند تاریخ ایران اسلامی رو به تکامل و پیشرفت به‌سوی شکل دادن به تمدن نوین اسلامی است و این روند تکاملی را می‌توان الگوی مدنیت ولایی با افق تمدنی نام نهاد.
نصیری (۱۳۹۸)	از نظرگاه امام خمینی، سرمایه اجتماعی چه نقش و تأثیری بر ساخت تمدن نوین اسلامی دارد؟	از دیدگاه نویسنده در منظومه فکری امام بین تحقق تمدن اسلامی و سرمایه اجتماعی رابطه وثیقی وجود دارد. به‌گونه‌ای که تقویت سرمایه اجتماعی و نقش فعال آن به‌عنوان یک شرط اساسی برای تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته شده است.
شجاعی (۱۳۹۵)	ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع برای پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی کدامند؟	نویسنده در این خصوص بیشتر به بُعد سیاسی فرهنگ تشیع پرداخته و از رهگذر تحلیل عناصر تمدنی آن نشان داده که تشیع نقش محوری در این زمینه می‌تواند ایفا نماید. از جمله مؤلفه‌های مورد نظر محقق می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: فرهنگ تشیع از توان خوبی برای بسیج‌گری برخوردار است؛ جایگاه رهبری در آن مهم و مؤثر است؛ نظریه عقلانیت آن مادی‌گرا نیست و بالاخره پویایی‌های ناشی از اجتهاد.
زمانی محجوب (۱۳۹۹)	حاکمیت دینی چه نقشی در تمدن‌سازی دارد؟	نویسنده در این خصوص به دیدگاه‌های امام خمینی استناد نموده و درنهایت به این نتیجه رسیده که اصل اولیه در تولید تمدن توسط فرهنگ‌ها، وجود انسجام و هماهنگی درونی است. در این رابطه هم نیاز به یک حاکمیت مقتدر و سالم بدیهی است. با این تفسیر حاکمیت دینی به‌عنوان شرط اصلی در تعریف و تحقق تمدن اسلامی معرفی شده و کارکردهای آن در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بحث شده است.

نویسنده (سال نشر)	سؤال تحقیق	یافته
هراتی و دیگران (۱۳۹۵)	انقلاب اسلامی از چه ظرفیت‌هایی برای بازسازی تمدن اسلامی دارد؟	انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان الگویی نوین از حکومت اسلامی دربردارنده ظرفیت‌های پویایی است که می‌تواند در بازسازی تمدن اسلامی نقش‌آفرین باشد.
درخشه (۱۳۹۰)	بازسازی اندیشه دینی در ایران معاصر چه روندی را طی کرده و چه تأثیری بر بازیابی تمدن اسلامی داشته است؟	از حیث تاریخی متکامل‌ترین حلقه اسلام‌گرایی، متعلق به انقلاب اسلامی ایران بوده که در پایان دوران گذار از تجربه‌های پیشین جهان و آغاز تجربه‌های نوین در مناسبات سیاسی و اجتماعی شکل گرفت. براین‌اساس، انقلاب اسلامی با طرح مجدد دین در جهان مدرن بر معنویت و جهان‌زیست اخلاقی تأکید ورزید. درعین‌حال، چنین تحولی بدون بازسازی و تجهیز مفاهیم دورن دینی امکان‌پذیر نمی‌بود. بازسازی مزبور راه را برای گشایش مرزهای تجدید حیات تمدن اسلامی فراهم کرد.
پیروزمند و خورشیدی (۱۳۹۸)	چه مؤلفه‌هایی در بعد ساختاری برای تمدن‌سازی اسلامی لازم است؟	وجود حکومت و دولت‌های مقتدر اسلامی، وجود بین‌الملل اسلامی، وجود یک جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی، وجود جریان انقلاب اسلامی و ایجاد نظام‌های گوناگون اسلامی در جامعه به ترتیب اولویت از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختاری در تمدن‌سازی اسلامی محسوب می‌شوند.
سرپرست سادات (۱۳۹۸)	نسبت میان حرکت انقلابی که ویژگی بارز هر انقلاب و حرکت جهادی است؛ با پدیده جامعه‌سازی که دلالت بر رسیدن به موقعیت نهادی و سکون دارد؛ چیست؟	یافته محقق نشان می‌دهد که بین انقلابی‌گری و نظم سیاسی - اجتماعی و حتی نظم سیاسی تضادی نیست؛ حتی ایشان معتقد است که تحقق تمدن نوین در گرو حل تعارضات احتمالی بین این دو است.

(طراحی توسط نویسنده)

۴. تحلیل یافته‌ها

از رهگذر تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، حال می‌توان به ارائه پاسخ برای سؤال‌های پژوهش همت گمارد.

۴-۱. مؤلفه‌های تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی

با توجه به مضامین ارائه شده در جدول شماره ۴ مشخص می‌شود که بنیادی‌ترین ارزش‌های مکنون در گفتمان انقلاب اسلامی که دارای ارزش تمدنی هستند، عبارت‌اند از: وجه دینی گفتمان انقلاب اسلامی، عقلایی بودن گفتمان انقلاب اسلامی و هنجاری بودن گفتمان انقلاب اسلامی. وجود این سه‌گانه موجب می‌شود تا گفتمان انقلاب اسلامی از ویژگی فرازمانی و فرامکانی برخوردار شود و قابلیت تعمیم‌پذیری و کاربست‌پذیری در سایر زمان‌ها و مکان‌ها را داشته باشد.

جدول شماره (۳): مؤلفه‌های تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین عام
وجه اندیشگی دین‌بنیاد گفتمان انقلاب اسلامی	دینی بودن گفتمان انقلاب اسلامی	- گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمانی دینی، مردم‌بنیاد و برخوردار از راهبران نظری و عملی است (شاکری و مولوی، ۱۳۹۷). - گفتمان انقلاب اسلامی با طرح مجدد دین در جهان مدرن بر معنویت و جهان‌زیست اخلاقی تأکید ورزید. درعین حال، چنین تحولی بدون بازسازی و تجهیز مفاهیم درون‌دینی امکان‌پذیر نخواهد بود (درخشه، ۱۳۹۰).
	هم‌سنخیت گفتمان اسلامی با بافت ذهنی و عینی اسلام و ایران	- فرایند تمدن‌سازی نوین در درون انقلاب اسلامی متناسب با ساخت و بافت ذهنی و عینی اسلام و ایران در حال پیش‌روی است (شاکری و دیگران، ۱۳۹۷؛ مظاهری مقدم، ۱۳۹۹). - نقش و جایگاه دکتری امامت در فرهنگ سیاسی شیعی در ساخت تمدن نوین اسلامی (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷).
	تخصیصه جامعیت گفتمان انقلاب اسلامی	- گفتمان انقلاب اسلامی بر بازگشت به خویشتن، جامع‌نگری در اسلام، توحیدباوری، وحدت عقیده، ائتلاف و وحدت دولت‌های اسلامی، یگانگی تمدنی و فاصله‌گیری از تناقض تمدنی تأکید دارد (قاسمی، ۱۳۹۹؛ هراتی و دیگران، ۱۳۹۵).
عقلانیت دین‌بنیاد مکنون در گفتمان انقلاب اسلامی	گفتمان انقلاب اسلامی از درون‌مایه‌های فلسفی اسلامی برخوردار است.	- ابتناء گفتمان انقلاب اسلامی بر فلسفه اسلامی و دین‌پایگی آن (رفیعی و دیگران، ۱۴۰۰).
هنجارگرا بودن گفتمان انقلاب اسلامی	گفتمان انقلاب اسلامی گفتمانی ارزش‌گذار و ارزش‌محور است و در درون خود بر	- گفتمان انقلاب اسلامی بر هنجارهایی چون امید و اعتماد به وعده الهی، رشد معنوی و اخلاقی و خودسازی، اراده، مجاهدت و انقلابی‌گری، فرهنگ و سبک زندگی، علم و فناوری، اقتصاد مقاومتی پیشرفته، قدرت و عزت ملی و اعتبار

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین عام
	اخلاقیات، معنویات، دیگران، (۱۴۰۰). تأکید دارد.	بین‌المللی، و الگوسازی جامعه اسلامی تأکید دارد (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۸). - گفتمان انقلاب اسلامی و وجه انقلابی‌گری را در درون خود داراست (سرپرست سادات، ۱۳۹۸). - گفتمان انقلاب اسلامی گفتمانی توحیدمحور، هنجارگرا، و تعالی‌گراست (رفیعی و دیگران، ۱۴۰۰). - گفتمان انقلاب اسلامی گفتمانی عدالت‌طلب، شریعت‌محور، عقلانی و برخوردار از قدرت رهبری و بسیج اجتماعی است (شجاعی، ۱۳۹۵؛ شیرودی، ۱۳۹۹).

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

نتیجه آنکه انقلاب اسلامی با تکیه بر این سه اصول بنیادین می‌تواند همچنان در فضای نوین جامعه جهانی زایشگر و پویا باقی بماند. این اصول همچنین به گفتمان انقلاب اسلامی این توانمندی را می‌دهند تا از قابلیت صدور و بازیابی برای دیگر جوامع برخوردار باشد و به‌مثابه یک نرم‌افزار اندیشگی در فرایند جامعه‌سازی به استخدام گرفته شود.

۴-۲. فرصت‌های گفتمان انقلاب اسلامی در زمینه ساخت تمدن نوین اسلامی

بررسی مقوله‌های ارائه‌شده در بحث فرصت‌ها (چنان‌که در جدول شماره ۴ آمده) دلالت بر آن دارد که گفتمان انقلاب اسلامی در این زمینه به‌طورکلی با سه حوزه از فرصت‌ها روبروست. گفتمان انقلاب اسلامی به پشتوانه سرمایه اجتماعی در درون و نیز موفقیت آن در ساخت یک الگو از نظم و نظام سیاسی در داخل، در کنار مزیت وجود جوامع و دولت‌های اسلامی در بخش قابل توجهی از جغرافیایی سیاسی جهان، از قابلیت و ظرفیت قابل توجهی برای کاربست‌پذیری برخوردار است.

جدول شماره (۴): فرصت‌های پیش‌روی گفتمان انقلاب اسلامی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین عام
برخوردار از گفتمان انقلاب اسلامی	گفتمان انقلاب اسلامی	جوان‌گرایی (دبیری و جعفری، ۱۳۹۹).
انقلاب اسلامی از سرمایه اجتماعی بالا	سرمایه اجتماعی بالا	برخوردار از سرمایه‌های انسانی و مادی سرشار (سرمایه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری) (هژیری و خرمشاد، ۱۳۹۴).

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین عام
	قابل توجه است.	وجود نهاد دانشگاه پیشرو (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸). وجود یک جامعه فرهیخته و کارآمد اسلامی (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸). وجود روحیه امید و خوشبینی به آینده (دانش‌نهاد و کیلی، ۱۴۰۱).
	گفتمان انقلاب اسلامی مستظهر به سرمایه اجتماعی و پشتوانه مردمی قابل توجهی است.	وجود نظام‌های گوناگون اسلامی در جامعه (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸). وجود سرمایه اجتماعی و افزایش سطح آن در جامعه نقش به‌سزایی در ایجاد همکاری و همدلی در جهت تحقق اهداف نظام اسلامی به‌ویژه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارد (نصیری، ۱۳۹۸).
توانایی گفتمان انقلاب اسلامی در ساخت یک نظم و نظام سیاسی	گفتمان انقلاب اسلامی با تولید امر سیاسی از قابلیت کنشگری بالایی برخوردار است.	سیاسی‌کردن اسلام به‌عنوان مسئله اساسی در تمدن‌سازی (قاسمی، ۱۳۹۹). تغییر هندسه حکومت اسلامی (قاسمی، ۱۳۹۹). انقلاب اسلامی در ارائه راهکار برای برون‌رفت از برخی مشکلات توفیقاتی داشته است و به همین خاطر توانسته در حل مسائل و ترسیم تصویری کارآمد از حکومت دینی در این حوزه‌ها مؤثر حاضر شود. همین امر در تبدیل ظرفیت‌های تمدنی به داشت‌های تمدنی مؤثر بوده است (مظاهری مقدم، ۱۳۹۷).
تعداد و زمینه‌مندی محیط نظام بین‌الملل برای جامعه‌سازی اسلامی نوین	وجود نظامات سیاسی اسلامی به‌عنوان پشتوانه گفتمان انقلاب اسلامی	وجود حکومت و دولت‌های مقتدر اسلامی (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸؛ زمانی محجوب، ۱۳۹۹). وجود بین‌الملل اسلامی (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸). همگرایی کشورهای اسلامی (قاسمی، ۱۳۹۹). جمهوری اسلامی به دلیل گام برداشتن در امر تمدن‌سازی و به‌دست‌آوردن موفقیت‌هایی در ابعاد فردی، داخلی، منطقه‌ای و جهانی، موجبات تداوم بیداری اسلامی در موج سوم را فراهم ساخته است (خرمشاد، ۱۳۹۲؛ اخترشهر، ۱۳۹۹).

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

با تأمل در فرصت‌های سه‌گانه بیان‌شده مشخص می‌شود که محققان به هر دو حوزه داخلی و خارجی توجه داشته‌اند؛ چنان‌که تأکید عمده‌شان بر توانمندی برای مدیریت مسائل است که دلالت بر نگرش واقع‌بینانه نویسندگان در این بخش دارد.

۳-۴. چالش‌های فراوی گفتمان انقلاب اسلامی در زمینه ساخت تمدن نوین اسلامی

یافته‌های جدول شماره ۵ دلالت بر آن دارد که گفتمان انقلاب اسلامی در بعد چالش‌ها با طیف متنوعی از مسائل روبه‌روست که عمده‌ترین آنها را می‌توان در وجود چالش‌های برآمده از ساخت گفتمانی و ساخت عینی‌شده آن در عرصه حکمرانی، چالش‌های برآمده از فشارهای نظام بین‌المللی، چالش‌های نرم‌افزاری در محیط اجتماعی، چالش‌های برآمده از عدم وجود نگاه تحولی در حوزه علوم انسانی به‌عنوان مبنای تحولات اجتماعی و نیز چالش‌های برآمده از عدم توجه به حوزه کارگزاری و تربیت نیروی انسانی کارآمد و تراز عنوان کرد.

جدول شماره (۵): چالش‌های فراوی گفتمان انقلاب اسلامی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین عام
وجود چالش‌های درونی در ساخت گفتمانی و ساخت عینی‌شده آن در عرصه حکمرانی	چالش‌های برآمده از اجزای گفتمانی	غفلت از شعارها و آرمان‌های انقلاب (دبیری و جعفری (۱۳۹۹). عدم توجه به بسط اجتماعی عقلانیت انقلابی (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹). فقدان معنا و عینیت در عناصر گفتمانی (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹).
	چالش‌های برآمده از سخت‌افزار حکمرانی	چالش‌های اقتصادی (دبیری و جعفری، ۱۳۹۹). خطر فساد (دبیری و جعفری، ۱۳۹۹). پیشرفت‌های علمی (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹).
چالش‌های برآمده از تنگناهای نظام بین‌المللی	وجود محدودیت‌های ساختاری در محیط نظام بین‌المللی	استکبار جهانی و امپریالیسم بین‌الملل (صمدی و صمدی، ۱۳۹۵؛ مزینانی و دیگران، ۱۳۹۸؛ ثابتی منفرد و نجفی، ۱۳۹۹). فتنه‌های سیاسی و جنگ‌های بین‌المللی (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹).
چالش‌های نرم‌افزاری در محیط اجتماعی	عدم ترمیم شکاف‌ها و چالش‌های عرصه فرهنگی و اجتماعی	عدم توجه به افزایش تعاملات میان فرهنگی (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹). شکاف‌های اجتماعی (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹). عدم توجه به اصلاح سبک زندگی (دبیری و جعفری، ۱۳۹۹). تهاجم فکری و فرهنگی (دبیری و جعفری، ۱۳۹۹؛ ابوالفتحی و دیگران، ۱۴۰۱).

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین عام
		خطر سکولاریسم (اکبری و نادری، ۱۳۹۸).
چالش‌های برآمده از عدم وجود نگاه تحولی در حوزه علوم انسانی به‌عنوان مبنای تحول‌های اجتماعی	چالش‌های برآمده از حوزه دانش نظری	عدم توجه به تحول در علوم انسانی و تعالی الگوی مدیریت (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹). رکود در عرصه تحولات فکری (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹). غرب‌زدگی در حوزه علوم انسانی و عدم تلاش نظری برای بومی‌سازی نیازهای نظری این حوزه (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹).
چالش‌های برآمده از عدم توجه به حوزه کارگزاری و تربیت نیروی انسانی کارآمد و تراز	چالش‌های حوزه کارگزاری	عدم توجه به تربیت نیروی انسانی طراز تمدن نوین اسلامی (بشیر و غیائی، ۱۳۹۹).

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

تأمل در فهرست چالش‌ها نشان می‌دهد که چالش‌ها دارای تنوع و تعدد بالایی هستند و همه حوزه‌های داخلی و خارجی و یا نظری و عملی را دربرمی‌گیرند. طبعاً گذار از این چالش‌ها و فعال نمودن ظرفیت‌های جامعه‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی، نیازمند برنامه‌ریزی برای غلبه بر این چالش‌هاست که ناظر به ضرورت تقویت فلسفی، نظری، و عملی گفتمان انقلاب اسلامی است.

نتیجه‌گیری

پیروزی انقلابی اجتماعی، دین‌بنیاد، معنویت‌گرا، و عدالت‌خواه در ایران، زمینه شکل‌گیری منطقی جدید در عرصه نظام‌سازی را فراهم آورد؛ چراکه انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از ارزش‌ها را نمایندگی می‌کرد که ماهیتی جهان‌شمول داشت. ارزش‌هایی همچون برابری، عدالت‌خواهی، معنویت‌گرایی، آرمان‌گرایی، ضداستبدادی، ضداستکباری (ضدهژمون)، و رهایی‌بخش که بیش از آنکه ارزش‌هایی محلی باشند، ارزش‌هایی جهان‌گستر بودند. براین‌اساس آنچه در ورای کارکردهای سیاسی نظام برآمده از انقلاب اسلامی بر ماهیت نظم جهانی اثرگذار است، ارزش‌های والایی می‌باشد که در کانون گفتمان آن قرار دارد. گفتمانی که برای صدور آن نیاز چندانی

به وجود کارگزاران رسمی دولتی نیست و بر اساس قدرت درونی خود راهش را در میانه هزارتوی زمانه ما، می جوید و طی می کند. در این پژوهش به دنبال ارائه پاسخی به این پرسش بودیم که گفتمان انقلاب اسلامی چگونه می تواند در حوزه ساخت یک جامعه تمدنی گام بردارد؟ در این مسیر از چه فرصت‌هایی برخوردار بوده و با چه چالش‌هایی روبه‌روست؟ با بررسی منابع تخصصی منتشر شده در این خصوص مشخص شد که: مؤلفه‌های تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی به دلیل تأکید بر ارزش‌های فراگیری چون خداباوری، عدالت‌طلبی، اخلاق‌گرایی، اندیشه پیشرفت‌توأم با دین، تقویت ساخت درونی قدرت، جامعه‌سازی، دولت‌سازی و درنهایت تمدن‌اندیشی و تمدن‌سازی، می‌تواند نقش محوری در بنا و معرفی جامعه نوین تمدنی داشته باشند. در این چشم‌انداز اگرچه نمی‌توان ظرفیت‌ها و دستاوردهای مثبت گفتمان انقلاب اسلامی را نادیده انگاشت - مواردی چون: پیشرفت‌های حاصل آمده در علوم پزشکی، علوم پایه، فنی و مهندسی و نیز مبادی فلسفی علوم انسانی - ولی در پاره‌ای از حوزه‌ها این گفتمان با چالش‌های جدی روبه‌رو است که توجه مضاعفی را می‌طلبد. مهمترین چالشی که مستند به پژوهش‌های منتشر شده باید مورد توجه قرار گیرد، وجود نوعی گسست در نظام ارزشی میان طیف‌ها و نسل‌های مختلف جامعه است. این چالش موجب می‌شود تا قدرت نرم‌افزاری ایران پساانقلاب دستخوش آسیب شود. محققان جامعه‌شناسی بخشی از علل موجهه این گسست را در مسائلی چون عادی‌انگاری برخی مفاسد و نامشروع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه و مشاهده‌پذیر بودن کژکارکردی‌هایی چون تشدید فاصله طبقاتی، نابسامانی‌های اقتصادی و تغییر در نظام ارزشی کارگزاران نظام سیاسی دانسته‌اند. طبعاً حل چالش‌های فراروی گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند مسیر پیش‌رو جهت تحقق و تقویت ایده جامعه نوین تمدنی را بیش‌ازپیش هموار سازد؛ لذا راهکارهای مدیریت چالش‌های موجود با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و غیرفعال اندیشه انقلاب لازم است جستجو شده و با به‌فعلیت‌رساندن این ظرفیت‌ها و از طریق اجتهاد دائمی در نظام اندیشگی انقلاب اسلامی، مسیر به‌سمت بنا و معرفی چنین جامعه‌ای طی شود. در پژوهش‌های مورد استناد در این مقاله، راهکارهای شش‌گانه ذیل پیشنهاد شده‌اند:

یک. اجتهاد پویا در نظام اندیشگی انقلاب، راهکاری مناسب برای ترمیم شکاف

موجود میان گفتمان رسمی با گفتمان عمومی و تقویت وفاق ملی است. دو. لازم است جهاد علمی در تمامی حوزه‌های فناورانه برای نیل به جامعه‌ای پیشرفته در دستورکار قرار گیرد.

سه. استفاده بهینه از منابع طبیعی و انسانی کشور، یک ظرفیت ملی راهبردی و پیش‌برنده در ساخت جامعه تمدنی توسعه‌یافته و الهام‌بخش است. چهار. تقویت ساخت درونی قدرت از طریق تقویت روحیه انقلابی، مبارزه با فساد، گسترش عدالت، تقویت اخلاق و معنویت در جامعه، ارتقای سطح امید به آینده، تقویت کارآمدی، و افزایش سطح سرمایه اجتماعی، لازم است به‌صورت جدی دنبال گردد.

پنج. توجه به ابزارهای نوین ارتباطی برای بسط عقلانیت دین‌بنیاد اسلامی و مبارزه با تصویرسازی جریان رسانه‌ای اردوگاه رقیب، ضروری است. شش. بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت محیط کنش بین‌المللی، سیاستی مؤثر در تحقق جامعه نوین تمدنی به‌شمار می‌آید.

کتابنامه

- ابوالفتحی، محمد؛ نظری، مینا و پوردانش، سیدسامر (۱۴۰۱). «بررسی پیامدهای فرهنگی و تفکری تهاجم تمدنی غرب در ایران بعد از انقلاب»، *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*. ۳(۲)، ۱۹۲-۱۷۱.
- اخترشهر، علی (۱۳۹۹). «جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی»، *مطالعات بیداری اسلامی*. (۱۷)، ۲۸۰-۲۵۷.
- اکبری، مریم و نادری، مهدی (۱۳۹۸). «لایه‌های فکری و نموده‌های اجتماعی چالش سکولاریسم با اسلام تمدن‌گرا در جمهوری اسلامی»، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. ۲(۱)، ۴۷-۲۹.
- باقری، شهلا (۱۳۹۳). «ظرفیت تمدن‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی»، *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*. (۵)، ۸۶-۵۹.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۶). «انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی؛ نقشه راه، مسیر رفته و مسیر باقی مانده»، *اندیشه سیاسی در اسلام*. (۱۴)، ۲۷-۷.

- بشیر، حسن و غیائی، هادی (۱۳۹۹). «چالش‌های تمدنی پیش‌روی انقلاب اسلامی ایران»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ۳(۱)، ۲۸-۱.
- پیروزمند، علیرضا و خورشیدی، محمد (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی (با رویکرد آینده‌پژوهی)»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ۲(۱)، ۳۵۸-۳۲۹.
- ثابتی منفرد، امیرحسین و نجفی، موسی (۱۳۹۹). «چالش تمدنی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا با تأکید بر نظریات کیسینجر، هانتینگتون و فوکویاما»، *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۶۰(۶)، ۹۳-۱۱۲.
- خاتمی، سید احمد؛ دهقان، محمدحسن و مقیسه، رضا (۱۴۰۱). «نقش نرم‌افزار ولایت فقیه و فقه حکومتی در ایجاد تمدن نوین اسلامی»، *پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی*. ۳(۳)، ۱۳۴-۱۱۳.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، *راهبرد فرهنگ*. ۶(۲۳).
- خرمشاد، محمدباقر و آدمی، علی (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز»، *تحقیقات فرهنگی ایران*. ۲(۲)، ۱۸۸-۱۶۱.
- خواججه‌سروی، غلامرضا؛ فتحی، محمدجواد و اسفندیار، محمد (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. ۱۱(۱)، ۳۴-۱.
- خوشدونی، مهدی (۱۴۰۱). «نسبت‌شناسی فرایند اهداف انقلاب اسلامی (تمدن نوین اسلامی) با تمدن مهدوی»، *مشرق موعود*. ۱۶(۶۲)، ۲۸۵-۲۶۵.
- دانش‌نهاد، محمد و وکیلی، محمدحسن (۱۴۰۱). «تبیین نگرش، راهبردها و راهکارهای رسانه در جهت تحقق تمدن اسلامی در پرتو گام دوم انقلاب اسلامی»، *رسانه*. ۳۳(۳)، ۹۱-۱۰۹.
- دبیری، علی‌اکبر و جعفری، علی‌اصغر (۱۴۰۰). «شناسایی عوامل زمینه‌ساز و چالش‌های تحقق تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. ۱۰(۳۷)، ۸۱-۱۰۲.
- درخشه، جلال (۱۳۹۰). «بازسازی اندیشه دینی در ایران معاصر و تأثیر آن بر بازیابی تمدن اسلامی»، *فصلنامه سیاست*. ۴۱(۳)، ۹۳-۱۱۰.
- رفیعی آتانی، عطاءالله؛ فیاض، سروش و ذبیحی، رضا (۱۴۰۰). «مدل‌سازی نقشه راه تحقق تمدن نوین اسلامی از گذرگاه گام دوم انقلاب با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری (ISM)»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ۴(۱)، ۹۶-۶۷.
- زمانی محجوب، حبیب (۱۳۹۹). «نقش حاکمیت دینی در تمدن‌سازی بر اساس اندیشه امام خمینی»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*. ۸(۱۸)، ۱۷۰-۱۴۲.

سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۸). «جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه نظام انقلابی»، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*. ۹(۲)، ۲۸۱-۳۰۲.

شاکری زواردهی، روح‌الله و مولوی، عیسی (۱۳۹۷). «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۵(۵۵)، ۹۹-۱۲۰.

شجاعی، هادی (۱۳۹۵). «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در آفرینش تمدن نوین اسلامی»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*. ۱۳(۱)، ۷۱.

شیرودی، مرتضی (۱۳۹۹). «قدرت نرم، تمدن نوین اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، *علم و تمدن در اسلام*. ۲(۵)، ۱۱۴-۱۳۲.

صمدی میارکلایی، حمزه و صمدی میارکلایی، حسین (۱۳۹۵). «الگوی صدور انقلاب اسلامی در جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۳(۴۷)، ۷-۳۰.

عالی‌پور، علیرضا (۱۳۹۹). «تبیین نظریه تمدن دریایی در داستای تمدن‌سازی نظام جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی»، *علوم و فنون نظامی*. ۵(۵۴)، ۵-۲۶.

عباس‌تبار، رحمت (۱۴۰۰). «چشم‌انداز انقلاب اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی»، *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*. ۲(۱)، ۷-۲۲.

غفاری هاشجین، زاهد و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۹). «تحلیل آینده‌نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۶(۲)، ۵۱۲-۴۸۷.

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی و تمدن نوین بر پایه اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی (خوانشی تعمیقی و تحلیل محور به اصل ۱۱ قانون اساسی)»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ۳(۱)، ۱۵۴-۱۲۳.

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی و تمدن نوین بر پایه اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ۳(۱)، ۱۵۴-۱۲۳.

گوهری مقدم، ابوذر و بیگی، علیرضا (۱۴۰۰). «تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۷(۱)، ۲۹۱-۳۲۰.

مزینانی، احمد؛ علیزاده، سلیمان و ایمانی‌پور، احمد (۱۳۹۸). «تحلیل فرصت - تهدید چهل‌ساله دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر بیانیه گام دوم»، *پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی*. ۳۰(۳)، ۱-۲۶.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸). *جامعه تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

- مطهری نژاد، سیدمجید؛ همایون، محمدهادی؛ خزایی، سعید و حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۵). «بازاندیشی سیاستی در نظریات و الگوهای آینده‌نگر، مناسب چشم‌انداز تمدنی انقلاب اسلامی»، *رهیافت انقلاب اسلامی*. ۱۰(۳۵)، ۱۵۴-۱۳۳.
- مظاهری مقدم، ابوذر (۱۳۹۷). «انقلاب اسلامی و بازیابی میراث درون‌فرهنگی و برون‌فرهنگی در تمدن‌سازی نوین»، *معرفت سیاسی*. ۱۰(۱)، ۲۲-۵.
- مظاهری مقدم، ابوذر (۱۳۹۹). «تبیین حرکت تاریخی ملت ایران به‌سوی تمدن‌سازی مبتنی بر روندشناسی تاریخی»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ۳(۲)، ۲۲۰-۱۸۷.
- مک‌دانل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌گفتمان*. ترجمه حسینعلی نودری، تهران: فرهنگ‌گفتمان.
- مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸). «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۵(۲)، ۵۶۶-۵۳۹.
- نادری، مهدی و پیرانی، شهره (۱۳۹۹). «راهبردهای پیشرو در پساچهل‌سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۶(۱)، ۳۲۸-۳۰۵.
- نجفی، موسی و غلامی، رضا (۱۳۹۸). «انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکترین امامت»، *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۵(۵۵)، ۱۴۰-۱۲۱.
- نصیری، علی‌اصغر (۱۳۹۹). «جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه امام خمینی»، *حکومت اسلامی*. ۲۴(۴)، ۱۲۸-۱۰۵.
- نوروزی، رسول (۱۳۹۱). «نقش انقلاب اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ایجاد تمدن اسلامی - ایرانی»، *علوم سیاسی*. ۱۵(۴)، ۸۱-۵۵.
- وائقی بادی، محمد و بمانی، مهدی (۱۳۹۷). «الگوی وحدت کارکردی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه‌های مقام رهبری»، *مطالعات راهبردی بسیج*. ۷۸(۷)، ۳۰-۵.
- هراتی، محمد جواد؛ جمالی، افراسیاب و ایزدی، محمدعلی (۱۳۹۵). «ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران در بازسازی تمدن اسلامی در قالب نظریه سیستمی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. ۵(۱۷)، ۲۲۷-۲۰۵.
- هزیری، حسین و خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۴). «جایگاه و نقش انقلاب اسلامی در سیر تکوین تمدن نوین اسلامی»، *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. ۵(۱۹)، ۱۵۰-۱۱۵.